

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهيم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیب

۱۲ فبروری ۲۰۱۴

## شعر و ادب چپ گرا

## نیم نگرشی کوتاه در عصر قحطی و آشفته حالی

۲

مضطرب باختري - اسحق نگارگر:-

به یادبود نخستین روز ماه می

پرواز شاهین

تو ای فرزند رنج، ای کارگر، ای اختر روشن  
مگر موج وجودت را نباشد قدرت طوفان؟  
گناهت چیست در پهنای این وادی درد انگیز  
به پا بر خیز و با اهریمن افسردگی بستیز

تلاش گوهر هستی مکن در ساحل آرام  
تو موجی، موج را بیمی نباشد از دل گرداب  
که این ننگ است ننگ پنجه زورآزمای تو  
چسان در بند افسون کهن بستند پای تو؟

چرا در کوره بیداد این مشتی ستمگستر  
طلسم شوم این دون همتان ددمنش بشکن  
روان خویشتن سوزی و شمع غیر افروزی  
که این بدگوهان را نیست سیری از زرانوزی

خروشان موج رزم انگیز شو برخصم آتش زن  
مباد افسردگی روح تو را از خنجر بیداد  
به صد رزمندگی پیکار خونین را مهیا شو  
طلوع مهر عالمتاب (زحمت) را پذیرا شو

تو شاهینی قفس بشکن به پرواز آ و مستی کن  
مگر ای کارگر، ای پور رنج آخر نمیدانی؟  
که بر آزادگان داغ اسارت سخت ننگین است  
تلاش زندگی در کارزار مرگ شیرین است

\*\*\*\*\*

## عبداللہ رستاخیز:

اینگ اینک باز اندر صبحگاهی  
این چنین روشن  
خلق تاریخ آفرینش  
انقلابی توده شاهین مزاج تیز بینش  
مست و توفان خیز می آید به پیش  
می زداید از رخ او گرد حرمان  
باز می جوشد هریوا  
باز می جنبد هریوا  
باز می جوشد هریوا

\*\*\*\*\*

از اینجا از دل تاریک این زندان دردانگیز  
شکستم این سکوت تلخ  
تا بار دگر خوانم  
که مرگ ما پر قو نیست  
کوه است و گران سنگ است.

۱۶ میزان ۱۳۴۷

\*\*\*\*\*

"پیغمبران شعر!  
تاکی درون ظلمت شبها گریستن؟  
یا در پناه پرده پندار های پوچ  
بر آستان عشق و هوس دیده دوختن؟"  
فریاد ها کشید!  
توفنده سیل سرکش زور آزما شوید!!!

\*\*\*\*\*

## داوود سرمد:

### آرزوها

دلم خواهد که مانند عقابی  
زنم پر برفراز آسمانها  
بخوانم با صدای آتشینم  
سرود فتح اوج کهکشانشا

دلم خواهد که همچون خنده رعد  
بلرزائم جهان را از نهییم  
بسوزم خار زار دشت شب را  
زبرق خانمان سوز لهییم

دلم خواهد که چون خورشید مغرور  
نمایم پاره پاره کام شب را  
زموج گرم نور از لوح تاریخ  
بشویم جاودانه نام شب را

دلم خواهد که همچون اختر صبح  
شوم چشم چراغ جست و جوها  
دلم خواهد که همچون بذر امید  
برویم در زمین آرزوها

دلم خواهد که چون آهوی وحشی  
بیابان دریابان درنوردم  
چنان تند و سبک خیزانه و مست  
که نتواند رسد توفان به گردم

دلم خواهد که همچو موج سرکش  
بغلتم مست در آغوش دریا  
پیام لاله های تشنه لب را  
بگویم هر نفس در گوش دریا

دلم خواهد که همچون دود مجمر  
به دورشعله سرکش برقصم  
دلم خواهد که مانند سمندر  
به بزم خلوت آتش برقصم

دلم خواهد که مانند پرستو  
شوم پیک بهار جنبش آئین  
زساز مژده بخش چهچه من  
به رقص آید همه گلای رنگین

دلم خواهد که همچون لاله سرخ  
چراغی در دل صحرا فروزم  
ز برق داغ آتش خیز قلبم  
خس و خار بیابان را بسوزم

دلم خواهد که همچون باده عشق  
به جوش آرم نفس افسردگان را  
شوم جاری به رگهای تن شان  
دهم جان دگر دل مردگان را

دلم خواهد ز ساز تار احساس  
به ساز آرم نوای تازه ای را  
به بازار دیار ناشناسی  
کنم یکدم بلند آوازه ای را

\*\*\*\*\*

فرهاد گشته ام  
ای موج خون عشق  
در جویبار تشنه لب قلب گرم من  
مستانه تر برقص  
ای روح مست شوق  
جام سر مرا  
در دست خود بگیر و به آهنگ ساز عشق  
در گرد شمع روشن بتخانه تنم  
رندانه تر برقص  
چون من ز دام وسوسه آزاد گشته ام  
مانند مرغ شعله پر باد گشته ام  
در ظلمت غمین شبستان بیمناک  
موج پیام روشنی داد گشته ام  
کوه سکوت را  
الماس خشم نیشه فرهاد گشته ام  
صد بار اگر چه از ستم خسروان دهر  
یا از جنون تب زد،  
قربانی فریب

یا سینه چاک دشنه بیداد گشته ام  
برباد گشته ام  
اما به حکم زندگی جاودان عشق  
بار دگر ز نو  
ایجاد گشته ام  
کاخ امید را  
بنیاد گشته ام  
از بهر آفریدن نقشی به رنگ سبز  
اندر جبین برج بلند ستاره بوس  
در چار سوی یاد شهیدان سده ها  
بهزاد گشته ام  
اینباره نیز پرچم آگاهیم به دوش  
پرویز عصر را  
فرهاد گشته ام  
فرهاد گشته ام  
\*\*\*\*\*

#### یادداشت:

در این بازنگری به مطالب به گفته همکار گرامی ما آقای جیلانی لیب «شعر و ادب چپ گرا...» به یقین اشعار و نوشته های برخی از نویسندگان و شعرائی نیز مطرح می گردد که آن نویسنده ها و یا شاعران نه تنها مواضع فکری و سیاسی دیروزشان را نمایندگی نمی نمایند، بلکه بدون مبالغه به لجنی مبدل شده اند که می توانند ننگ دیروز شان به شمار آیند؛ لذا از قبل پیداست که نشر اشعار چنان افرادی، به معنای تأیید شخصیت کنونی آنها نمی باشد.

اداره پورتال AA-AA